

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْكَ يَا مَوْلَاتِي يَا فَاطِمَةَ الزَّهْرَا

خدا را شکر می کنیم از اینکه توفیق پیدا کردیم در آستانه ایام فاطمیه و کمی بیش از اینکه بقیه دغدغه مندان اقامه ایام اهل بیت (علیهم السلام) در این عرصه مشغول فعالیت شوند، توجه کرده ایم به ساحت مقدسه حضرت زهرا (علیها السلام) و تلاش کرده ایم که دغدغه خودمان را در حوزه گرامی داشت، بزرگداشت و پاسداشت این ایام ارتقاء دهیم. امیدوارم که خدای متعال به این گفتگو خیر و برکت مرحمت کند و به ما اجازه دهد تا آنچه را که موجبات رضایت ساحت مقدس حضرت ولی عصر (علیه السلام) (جان عالمی به فدای او) خواهد بود، در این گفتگو مورد مکالمه و گفتگو قرار بگیرد.

اجازه دهید تا در ابتدای عرائض توجه و توسلی به ناحیه مقدسه حضرت صاحب الزمان (علیه السلام) داشته باشیم و از آن حضرت طلب کنیم که ما را در این مسیر نصرت و یاری بفرماید و دست التفات و عنایت و مرحمت خود را بر سر ما مستدام داشته باشند. به همین جهت دعاگوی وجود مقدس حضرت حجت (علیه السلام) خواهیم بوده، به کلمات شریفی که از ناحیه مقدسه حضرت علی بن موسی الرضا (علیه السلام) برای ما به یادگار مانده است:

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

اللَّهُمَّ أَصْلِحْ عَبْدَكَ وَ خَلِيفَتَكَ بِمَا أَصْلَحْتَ بِهِ أَنْبِيَاءَكَ وَ رُسُلَكَ وَ حَقَّهُ بِمَلَائِكَتِكَ وَ أَيَّدَهُ بِرُوحِ الْقُدُسِ مِنْ عِنْدِكَ وَ اسْلُكُهُ مِنْ بَيْنِ يَدَيْهِ وَ مِنْ خَلْفِهِ رَصْدًا يَحْفَظُونَهُ مِنْ كُلِّ سُوءٍ وَ أَبْدَلْهُ مِنْ بَعْدِ خَوْفِهِ أَمْنًا يَعْصِمُكَ لَا يُشْرِكُ بِكَ شَيْئًا وَ لَا تَجْعَلْ لِأَحَدٍ مِنْ خَلْقِكَ عَلَيَّ وَ لَيْتِكَ سُلْطَانًا وَ أَدُنُّ لَهْ فِي جِهَادِ عَدُوِّكَ وَ عَدُوِّهِ وَ اجْعَلْنِي مِنْ أَنْصَارِهِ، إِنَّكَ عَلَيَّ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ.

موضوع گفتگوی ما، همانطور که عزیزان بزرگوار قبل از دعوت به همایش مورد التفات قرار دادند، بحث ضرورت پاسداشت و گرامیداشت ایام فاطمیه است و عنوانی که اتخاذ کرده ایم برای گفتگوی این کارگاه «کار کارستان فاطمیه» است. اجازه بفرمایید که خدمت شریف شما بزرگواران از یک مقدمه و یک بحث مبنایی گفتگو را آغاز کنیم. فارغ از اینکه امروز در چه شرایطی قرار داریم، فارغ از اینکه امروز جامعه ما، یک جامعه شیعی صرف و معتقد به عصمت، قداست و شهادت حضرت زهرا (علیها السلام) هست یا نیست؛ فارغ از اینکه آیا امروز نسبت به موضوع فاطمیه اقدامات، حرکات و تقابلات و تعارضاتی در جامعه عمومی ما وجود دارد یا ندارد، فارغ از همه این موارد، اگر در یک جامعه شیعی صرف، در یک جامعه معتقد به ولایت اهل بیت (علیهم السلام)، در یک جامعه معتقد به اسلام امیرالمؤمنینی حضور داشتیم و در معرض ایام شهادت حضرت انسیه حورا و صدیقه کبری (علیها السلام) قرار می گرفتیم، تکلیف و وظیفه ما قطعاً و یقیناً گرامیداشت و پاسداشت و بزرگداشت ایام فاطمیه بوده است. دلیل آن هم تقریباً برای همه سروران ارجمند واضح و مشخص است. قاعدتاً امر خدای متعال در کلام الله مجید، در قرآن کریم، در بیانی که برای هدایت و موعظه و شفاء نازل شده است، این است که از ما مطالبه نکرده اند مگر مودت قُربی را، آن هم به عنوان اجر رسالت که فرمود: **قُلْ لَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا إِلَّا الْمَوَدَّةَ فِي الْقُرْبَى**. همه عزیزان مستحضرند که قاعدتاً واژه های محبت و مودت را به جای هم استعمال نمی کنیم. عرب این دو واژه را در دو معنای متفاوت به کار گرفته است، اگرچه که ممکن است معانی قریب به همدیگر داشته باشند اما آنچنان که اهل لغت در مقام دقت بیان کرده اند، بحث محبت ناظر به فعل قلب ماست. ما در مقام قلب مان می توانیم افرادی را دوست داشته باشیم، به آنها محبت بورزیم، نسبت به آنها ارادت قلبی داشته باشیم و در مقابل ممکن است که در مقام عمل این محبت خود را ظاهر نکرده باشیم. خیلی از اوقات ممکن است من کسی را دوست داشته باشم اما این دوست داشتن خود را ظاهر نکنم و به بیان و زبانم جاری نکنم. در اعمال و اعضا و جوارح اثری از این دوست داشتن نمود نداشته باشد. اما دوستی کردن و دوست داشتن را ظاهر کردن، همان کاری است که ما از آن تعبیر به مودت می کنیم. عنایت می فرمایید که گاهی اوقات آن چیزی که باید از ما ظاهر شود، در مقام مودت همین افعالی است که جنبه بیرونی دارد، جنبه تظاهری دارد، جنبه شعائری دارد و بنابراین من وظیفه دارم که این محبت خود را به ساحت مقدسه حضرت زهرا (علیها السلام) را نمایان کنم. اگر گریه بر عزای حضرت زهرا (علیها السلام) نباشد، اگر

سیاهپوشی در مصیبت صدیقه کبری علیها السلام نباشد، اگر برپا کردن و برقرار کردن مجالس سوگواری در سوگ حضرت زهرا علیها السلام نباشد، قطعاً این ها نشانه های روشنی از دوست داشتن است. ما برای کسی گریه می کنیم، اشک تجلی محبت ما به کسی است که محبت او نزد ما شدت پیدا کرده است. بنابراین قطعاً و یقیناً اگر قرار باشد ما پیام خدای متعال و فرمان خدای متعال در مقام اجابت اجر رسالت رسول خدا صلی الله علیه و آله را به جا آورده باشیم و آنچه را که رسول خدا صلی الله علیه و آله از ما مطالبه کرده است، از ناحیه ما اتفاق افتاده باشد، قطعاً این به واسطه برقراری و برپایی سوگ حضرت زهرا علیها السلام محقق می شود. پس ما در مقام امتثال امر خدای متعال در قرآن کریم و برای ادای مزد رسالت مکلفیم به برپایی مجالس حضرت زهرا علیها السلام و برگزاری محافل سوگواری و گریستن، اشک ریختن و مشکی پوشیدن در عزای حضرت زهرا علیها السلام. اگر وجود مقدس رسول خدا صلی الله علیه و آله به جناب سلمان فرمودند که محبت فاطمه زهرا علیها السلام در ۱۰۰ موضع برای تو مفید است و برای تو فایده می بخشد که آسان ترین آن، سخت ترین لحظات بنی آدم است. یعنی موقع مرگ، موقع جان دادن در عالم قبر، نزد صراط. دقیقاً مواضعی که در روایات دیگر اهل بیت علیهم السلام به عنوان سخت ترین اوقات بنی آدم مذکور بوده است، معنای آن این است که من اگر موفق باشم به مودت حضرت زهرا علیها السلام و به اقامه عزای آن بزرگوار و به ظاهر کردن محبتم به ساحت مقدسه صدیقه کبری علیها السلام، قطعاً از این آثار و برکات که ناظر به محبت آن حضرت و ناظر به مودت آن حضرت است، بهره مند خواهم شد. این در شرایطی است که ما باشیم و جامعه شیعی محب حضرت زهرا علیها السلام که همه از ارادتمندان به آن ساحت مقدس هستند و اقامه عزای آن حضرت را بر خود فرض و واجب می دانند. این در شرایطی است که ما باشیم و جامعه شیعی محب حضرت زهرا علیها السلام که همه از ارادتمندان به آن ساحت مقدس اند و اقامه عزای آن حضرت را بر خودشان فرض و واجب می دانند. از این جهت اگر به مسئله عزاداری ایام فاطمیه نظر کنیم، این ها موجباتی است که ما را ترغیب، تشویق و تشییع می کند به اینکه عزاداری کنیم بر حضرت زهرا علیها السلام و مجالس و محافلی را که منسوب به آن حضرت است، برپا کنیم. خدمتگزاری به آستان مقدس فاطمیه را مأموریت خودمان بدانیم و برای او گام برداریم و آنچه را که بر ایمان محقق و حاصل می شود، آنچه را که بر ایمان فهمش پیدا می شود، بتوانیم در مقام عزاداری بر آن بزرگوار جاری بکنیم. عرض کردم این موارد برای شرایط عادی است، برای شرایط عمومی است. این موارد بدون این است که هیچ تقابلی با فاطمیه اتفاق افتاده باشد. این، همان تکلیفی است که به صورت اولی خدای متعال از ما طلب می کند. از اینکه در مقام ثانوی و در مقام بعدی و برای جبران بعضی از کاستی ها، آیا مأموریت های دیگری هم پیدا می کنیم و به عنوان دیگری هم امر می شویم که عزای حضرت زهرا علیها السلام را برقرار کنیم؟ آن یک مطلب دیگری است.

فعلاً می گوئیم اگر در مقام اولی هیچ معارض دیگری نبود، اگر هیچ داعی دیگری برای اینکه ما برای عرض ارادت و محبت به حضرت زهرا قدم برداریم، نبود، به همین اندازه که امر شده ایم از ناحیه این ذوات مقدس، از ناحیه خدای متعال به آیه "قُلْ لَا أَسْأَلُكُمْ" مأمور بودیم و موظف بودیم و مکلف بودیم که در این مقام بکوشیم و قدمی برداریم و حرکتی کنیم. این، آن مطلب اصلی و کلی و جامعی است که در مقام بیان ضرورت اقامه عزای حضرت زهرا علیها السلام در ایام فاطمیه در شرایط عادی و عمومی به صورت اولی بر ما فرض است. اما اجازه بدهید که بپردازیم به این که الان در چه روزگاری قرار داریم و چرا تعبیری را که مورد استعمال قرار دادیم، کار کارستان فاطمیه بود؟ همانطوری که التفات فرمودید، ما در تعبیر دعوت مان به این کارگاه گفتیم کار کارستان برای فاطمیه یعنی انجام دادن کارهای عمومی و عادی آنچه را که متداول است و متعارف است که در بقیه ایام عزای اهل بیت علیهم السلام از ما صادر می شود یا در ایام سرور آن بزرگواران، در هر دو مناسبت امر به اینکه شیعیان ما در مصیبت ما محزون اند و در سرور ما، شادمان. فارغ از همه آنها، چرا باید ما یک کار متفاوت تر و ویژه تری را در ایام عزای حضرت زهرا علیها السلام متعهد و متقبل شویم؟ چرا کار کارستان برای عزای فاطمیه؟ این مطلبی است که من بنا دارم توجه و تمرکز بیشتری را به آن داشته باشیم. حتماً ملتفت و مستحضرید که در روزگاری زندگی می کنیم که خاکریز اول تقابل شیعه، تقابل مدافعان اسلام امیرالمؤمنینی با آنچه که در مقابل آن قد علم کرده، اسلام وهابیت، اسلام سلفی گری در این نقطه تقابل و تعارض خاکریز مقدم، امروز عزای حضرت زهرا علیها السلام است. اگر در فضاهای مختلف حرکات و فعالیت های بسیار مفصلی برنامه ریزی و تدارک شده است، برای اینکه فاطمیه مغفول و مهجور بماند، فاطمیه دست خوش شبهات و انحرافات شود، فاطمیه در معرض بی توجهی مردمان قرار بگیرد و عده ای با تلاش فراوان این هدف را دنبال می کنند. مصادیقش هم متعدد به گوش من و شما رسیده و با آن مواجهه پیدا کردیم. عده ای به اسم دفاع از یک حقیقت مطلوب و معقول به نام وحدت که اساساً معنایش این است که ما برای تقابل با دشمن و در مقام مواجهه با او در تقابل با دشمن مشترک یک جبهه واحدی را تشکیل بدهیم، در سوء استفاده از معنای وحدت، مبانی ای را تبیین کردند و عباراتی را توضیح دادند و داعیه ای را بلند کردند که اگر کسی ادعای وحدت دارد، باید چشم ببوشد از بسیاری از اتفاقاتی

که در صدر اسلام واقع شده و خاصاً پرداختن به عزای حضرت زهرا علیها السلام و اقامه کردن مجالس حضرت زهرا علیها السلام و روضه خواندن بر صدیقه طاهره علیها السلام که این ضد وحدت است. اینکه یک عده ای با این بیان برای مراجع تقلید نامه نگاری کنند، مکتوباتی را مهیا کنند نزد مقامات کشوری ارسال کنند، اینکه عده ای وحدت را بهانه ای قرار دهند، برای تعطیلی بساط عزای صدیقه کبری علیها السلام، این باید محل سؤال واقع شود که چرا اینقدر خلاصه شمشیر از رو بسته شده برای اینکه فاطمیه مهجور بماند؟ اینکه سال های سال است، خصوصاً در نقاطی که شیعیان و اهل تسنن در کنار هم زندگی می کنند، شبنامه های مکرری توزیع بشود که چرا شیعیان وفات فاطمه زهرا علیها السلام را تعبیر به شهادت کردند؟ چرا شیعیان فاطمه زهرا علیها السلام را شهید کردند؟ چرا موردی که مثلاً در تقویم سال های گذشته به تصریح تعبیر به شهادت نشده بود، امروز این لفظ از ناحیه شیعیان محل استعمال قرار می گیرد؟ و فراوان در این فضا با استناد به حقایق تاریخی نه با استناد به بعضی از موضوعات دم دستی و متداول و شرایط عرفی سال های اخیر جامعه خودمان، شبهه افکنی کردند. خب این ها باید محل تعجب و توجه باشد که چه اصراری وجود دارد؟ مگر در عزای حضرت زهرا علیها السلام چه اتفاقی می افتد که اینقدر برگزار کردن و برپا کردن این مجالس محل توجه شده و این همه مخالفت و معارضت با این موضوع پیدا شده؟ در جریانات سیاسی سال های اخیر، بسیاری از عزیزی که برای خدمت در پست های مختلف اعم از ریاست جمهوری و نمایندگی مجلس و غیره و غیره ... ، برای اینکه در بعضی از نقاطی که محل تمرکز شیعیان نیست، بتوانند به سمت خودشان رأی جلب کنند، به صراحت در اعلامیه ها و اطلاعیه هایشان به جای استفاده از لفظ شهادت برای مصیبت حضرت زهرا علیها السلام ترجیح دادند که از الفاظ وفات یا رحلت استفاده کنند. اگر در مقام دقت لغوی بخواهیم ورود داشته باشیم، وفات یا رحلت تعارضی با شهادت ندارد اما عبارت «اصح» و عبارت «ادر» نیست. عبارت درست تر و صحیح تری در موضوع شهادت حضرت زهرا علیها السلام که قابل استعمال است، حتماً و یقیناً لفظ شهادت است. بنابر این عنایت می فرمایید که به طور مشخص در حوزه های سیاسی، در حوزه های فرهنگی، در روش های درون دینی و درون مذهبی و در نحله تشیع می بینیم که اتفاقات عجیب و غریبی می افتد و در مخالفت به برقراری مجالس عزای حضرت زهرا علیها السلام فراوان تقابل و تعارض وجود دارد!

از همین دست تقابل ها، تقابلاتی است که در عرصه ایجاد شبهات در این موضوع و سؤالات و ابهامات را بولد و بزرگ کردن و به رخ کشیدن، از جمله امور دیگری است که برای انجام آنها تلاش می شود. به عنوان مثال خدمت شریفان عرض می کنم، طرح این سؤال و گسترش آن به طور جدی است که آیا اساساً خانه های مدینه در زمان شهادت حضرت زهرا علیها السلام «در» داشته است یا مردم به صورت متعارف بر آستانه «دَرشان» پرده ای می آویختند؟ و بعد اگر ما به صورت جدی نسبت به ابهامی که در موضوع «در» وجود داشته باشد، بگوییم مسئله هجوم به بیت و مسئله احراق باب بیت و مسئله تعرض به «درب» خانه حضرت زهرا علیها السلام؛ همه اینها زیر سؤال می رود. آیا واقعا شهادت حضرت زهرا علیها السلام یک واقعیت تاریخی است یا یک تصویر و تصور و توهمی که شیعیان در مقام مظلوم نمایی و مظلومیت تراشی برای شخصیت های محبوب خودشان خلق و جعل کردند؟ اینها از آن جمله اقداماتی است که در مقام تاریخ روشن است. یعنی پاسخ های روشن و واضح تاریخی نسبت به این موضوع وجود دارد. آیا در قصه شهادت حضرت صدیقه علیها السلام، در آن اتفاقات صدر اسلام، فقط تهدید به هجوم و احراق بوده است یا اصل هجوم و احراق هم واقع شده است؟ این هم باز از آن موضوعاتی است که در مقام شبهه مکرراً مطرح می شود. البته خدا را فراوان شکر می کنیم که باز شدن باب طرح این گونه از مباحث در فضای مُحاجه و مُدَاقَه بین شیعیان و مخالفان و معارضان فاطمیه سبب ساز این شد که از منابع عامه، مدارک و مستندات فراوانی استخراج شود و در قالب کتاب های مختصر و مفصل تمهید شود و در اختیار همگان قرار گیرد تا ببینند موضوع شهادت حضرت زهرا علیها السلام و هجوم به بیت و احراق فاطمه صدیقه علیها السلام، مضروب و مجروح شدن آن حضرت، موضوعاتی نیست که فقط شیعیان آن ها را در کتاب های تاریخ یا در کتاب های حدیث شان مورد اشاره قرار داده باشند؛ بلکه یک حقیقت مسلم تاریخی است که عامه هم مکرراً و واضحاً به آن اشاره کرده اند و مورد توجه قرار داده اند.

پس همانطور که عنایت فرموده اید در مسئله هجوم به بیت حضرت زهرا علیها السلام مستندات فراوانی داریم. اما چه دلیلی وجود دارد که در این سطح وسیع، شبهات ریز و درشت و شبهات کاملاً بی اساس و بی پایه مکرر و متعددی وجود داشته باشد که من نمی خواهم به موضوعات شبهات اشاره کنم. سر جای خودش بحث شده و پاسخ های مفصل هم برای آن تمهید و فراهم و ارائه شده، اما می خواهم بگویم به هرحال این فراز شبهه افکنی در بسیاری از موضوعات کلامی در موضوعات تاریخی، در موضوعات حدیثی، در همه این ها امکان طرح شبهه وجود دارد. هم می شود سؤال طرح کرد هم می شود با غرض، مرض شبهاتی را مطرح کرد اما چه اتفاقی افتاده که این حجم

عظیمی از شبهات در مقابله با موضوع شهادت حضرت زهرا^{علیها السلام} و بحث فاطمیه مطرح شود؟ به نظر می رسد اینها جای تأمل جدی دارد که می بینیم از آن سر یک سری حرکت های اجتماعی و از این سر یک سری فعالیت های بظاهر علمی هست که جایگاه فاطمیه را در نزد مردمان سست کند. پرداختن به موضوع این که بالاخره شهادت حضرت زهرا^{علیها السلام} در کدام یک از آن دو تاریخ اتفاق افتاده است؟ چرا هفتاد و پنج یا نود و پنج روز؟ چرا یک تاریخ مشخص وجود ندارد؟ اصلاً سن حضرت زهرا^{علیها السلام} در زمان شهادت شان چقدر بوده؟ آیا حقیقتاً عدد هجده که شیعیان مستند و مورد توجه قرار می دهند، قابل دفاع است؟ آیا مادری مثل حضرت خدیجه^{علیها السلام} که مثلاً در سن چهل سالگی به همسری رسول خدا^{صلی الله علیه و آله} در می آید، ممکن است که دختری این چنین و آن چنان در آن سال متولد شده باشد و حتماً تولد حضرت زهرا^{علیها السلام} پیش از این بوده و فرض کنید در زمان شهادت شان، سن مبارک حضرت مثلاً بیست و هشت سال بوده، اینها حرکت هایی است که عرض می کنم با یک سبقه تاریخی که برای او تئوریزه شده و پرداخته شده هم اتفاقاً مطرح می شود.

عرض بنده این است که باید اینها را مورد توجه قرار بدهیم که در این حجم عظیم از روز شهادت آن حضرت، از میزان سن آن بزرگوار، از این که در آن واقعه تاریخی چه ظرافتهایی وجود داشته است و چه شده است که آن وجود مقدس به این وضعیت از دنیا رفته اند، از این که در حرکت های سیاسی ما اعراض کنیم و اجتناب کنیم از این که لفظ شهادت را استعمال کنیم، به این جهت که ممکن است بخشی از جامعه رأی دهندگان به ما نگاه دیگری پیدا کنند، به این که به بهانه وحدت مسئله شهادت حضرت زهرا^{علیها السلام} را محل اختلاف افکنی و تفرقه آمیزی و مبنای جدایی و افتراق بدانیم و بگوییم اقامه عزای حضرت زهرا^{علیها السلام} نقطه تقابل خواهد بود و بر خلاف محبت عمل خواهد کرد، بر خلاف وحدت اثرگذار خواهد بود. اینها از آن موضوعاتی است که باید به آن توجه بکنیم که این همه تقابل در این حجم عظیم، با این تعدد در موضوع و تعدد در فضاهای منتشر شده و مدل های بیان، قاعداً باید هدف مشخصی را دنبال کند و این همه تقابلی که ما در واقعیت هم شاهد آن هستیم، می تواند نقطه شروع چه چیزی باشد؟ و اساساً چرا فاطمیه خاکریز اول این مواجهه شده است؟ چرا اوج توجهات و تمرکز برای تخریب شعائر دینی، به مسئله فاطمیه تعلق پیدا کرده است؟ چرا این قدر که امروز به فاطمیه پرداخته می شود، مثلاً در موضوع محرم عمل نمی شود؟ چرا این قدر که به فاطمیه پرداخته می شود، مثلاً در ایام عزای امیرالمؤمنین^{علیه السلام} حرکت هایی را ما شاهد نیستیم؟ اینها مطالبی است که ان شاءالله بنا داریم از این جای گفت و گو به آن پاسخ بدهیم.

و اما چرا فاطمیه؟

شاید لازم باشد که اینطور عرض کنم: آن چه که در فاطمیه اتفاق افتاده است، به طور مشخص تفاوت های اساسی و کلیدی با بقیه اتفاقات صدر اسلام دارد. همه آن مصائبی که ما در ایام عزای حضرت زهرا^{علیها السلام} آنها را مرور می کنیم و بر آنها می گرییم و آنها را در مجالس روضه و سوگواری مورد نقل قرار می دهیم، حقیقتش این است که ناظر به یک موضوع و یک هدف است و تحریک و ترغیب کننده مردم برای ارتقای یک باور است که حقی از ناحیه مقدسه امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب^{علیه السلام} مورد غضب و تعرض قرار گرفت و حضرت زهرا^{علیها السلام} در مقام دفاع از این حق برخاستند و حرکت کردند و عمل کردند و تا پای جان در راه دفاع از ولایت امیرالمؤمنین^{علیه السلام} ایستادگی فرمودند. گریه فاطمیه هم تولی است و هم تبری. گریه فاطمیه هم اظهار مودت حضرت زهرا^{علیها السلام} است به مقام اولی، هم دفاع از ولایت امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب^{علیه السلام} است در مقام ثانوی. شما از قصه شهادت پیغمبر^{صلی الله علیه و آله} که آغاز می کنید، تک تک اتفاقاتی که در فاطمیه آنها را مورد توجه قرار می دهیم، در مسئله فدک، در مسئله رفتن به در خانه مهاجر و انصار، در ماجرای تحصنی که در خانه امیرالمؤمنین علی^{علیه السلام} واقع شده بود و اولین هجوم به بیت فاطمی، در واقعه مطالبه بیعت اجباری از امیرالمؤمنین^{علیه السلام} و اهل خانه علی بن ابیطالب^{علیه السلام} از طریق هجوم بردن به بیت آن حضرت و وارد شدن بدون اذن و اجازه به خانه حضرت زهرا^{علیها السلام} و دست بسته امیرالمؤمنین^{علیه السلام} را خارج کردن از خانه آن حضرت و آنچه را که نسبت به حضرت زهرا^{علیها السلام} در این ماجرا روا داشتند، اینها همه مسائلی است که مشخصاً از عدم رضایت امیرالمؤمنین^{علیه السلام} و تعدی و تعرضی که به آن حضرت و حق آن حضرت شده است، گزارش می کند. شما در مسئله رفتن حضرت زهرا^{علیها السلام} به دنبال علی بن ابیطالب^{علیه السلام} تا مسجد و اتفاقاتی که در آن مسیر واقع شده و اتفاق افتاده است. بحث عیادت زنان مهاجر و انصار از حضرت زهرا^{علیها السلام} که آنجا باز دوباره همه گفت و گو حول محور این مطلب که شتر خلافت چنین و چنان است و حقی را از ما سلب کردید. که مردان تان را آزمودم، از آنها آزردم. اگر امر را به دست کسی که خدا برای شما پسندیده بود، سپرده بودید، بدون مشقت، بدون سختی شما را تا کنار آبشخور هدایت می رساند. تمام مطالب را شما می بینید تا قدم به قدم شما روضه های فاطمیه را مرور کنید. تمام

آن چیزی که در این ایام مصیبت هایش برای ما گفته شده و خوانده شده، بخوانیم تا بحث وصیتهای حضرت زهرا علیها السلام، بحث دفن شبانه، تغسیل شبانه، تدفین شبانه و آنچه که اتفاق افتاده است، بعد از شهادت حضرت زهرا علیها السلام، تا قبر پنهانی حضرت صدیقه کبری علیها السلام. اگر در مقام تحلیل تمام اینها بر بیابیم، قصه فدک واقعا به فرموده امیرالمؤمنین علیه السلام ما را با فدک و غیر فدک چه کار؟ حقیقتاً آن چیزی که فدک را تا این مرتبه از اهمیت رسانده است که حضرت زهرا علیها السلام واقعا گزارش تاریخی از آن حضرت در این که در نماز پدرشان، در مسجد پیغمبر صلی الله علیه و آله، در مسجدی که دربش از خانه حضرت زهرا علیها السلام باز می شده، یعنی حضرت در خانه شان را باز می کردند، در مسجد بودند، برای نماز جماعتی که پدرشان رسول خدا صلی الله علیه و آله، اول شخص مملکت وجود به آن نماز می ایستادند و مردم به آن حضرت اقتدا می کردند، ما گزارش تاریخی نداریم که حضرت از در مسجد به مسجد وارد شده باشند و در نماز پدرشان شرکت کرده باشند. بسیاری از مردم سایه قامت صدیقه کبری علیها السلام را هم ندیدند. آن وقت حضرت در ماجرای فدک بیایند در مسجد، خطبه فدکیه بخوانند و صراحتاً حقوق خودشان را مطالبه کنند که ای پسر ابی قحافه آیا در کتاب خدا نوشته است که تو از پدرت ارث ببری و من از ارث پدرم محروم باشم؟ خُب این مطالبه ارث چه وجهی دارد؟ آیا حضرت صدیقه کبری علیها السلام که در شب عروسی، لباس عروسی که عزیزترین داشته یک دختر در عزیزترین روز زندگی اش است، انفاق و مرحمت می کند! همین فدک در بعضی از نقل های تاریخی آمده است که امیرالمؤمنین علیه السلام درآمد واصل شده را که عدد بسیار هنگفتی هم بوده است، تا منزل (می گویند اقلّ قلیلش اگر می رسیده است)، اگر این ارث جنبه مادی و مالی اش موضوعیت داشته است، برای حضرت زهرا علیها السلام که قطعاً نداشته است. پس چه بوده که ایشان آن طور علنی در مسجد خطبه بخوانند و دفاع کنند، آن هم با آن حال آشفته و بیمار و مریض که شما خوانده اید در مقدمه خطبه فدکیه که حضرت با چه احوالی وارد مسجد شدند. آن آه اول حضرت زهرا علیها السلام که فضا را منقلب کرده است. اینها از کجا پیدا شده است؟ چیست این قصه فدک؟ چیزی که باعث می شود مرتبه دیگری در خلوت، آن دشمن خدا و دشمن ولی خدا به سراغ او بروند و از او سند فدک را مطالبه کنند که بعد، اتفاقات بعد از آن در کوچه و امثالهم واقع شود که به جهت بار مصیبت آن اجازه می خواهیم که به آن نپردازم. همه قصه فدک این مطلب است که عده ای به ظلم حق فاطمه زهرا علیها السلام را از او سلب کردند و آن بزرگوار هم بنا داشته است که اثبات کند که لا ینال عهد الظالمین. عهد خدا به ظالم نمی رسد. برای چه در خانه مهاجرین و انصار رفتند؟ که مگر شما نبودید که عهد بستید که علی ابن ابی طالب علیه السلام را یاری کنید؟ امیرالمؤمنین علیه السلام را در اقامه حقشان یاری کنید؟ پس چرا او را تنها گذاشتید؟ اینها مصادیقی است که دانه به دانه آن را که مرور می فرمایید و قدم به دم که جلو می آید، می بینید تماماً دفاع تمام قد حضرت زهرا علیها السلام از ولایت امیرالمؤمنین علی ابن ابی طالب علیه السلام است. حالا مطلب اینجاست پس چرا فاطمیه نقطه تقابل شده است؟ چون آنچه ما در مقام ارائه حضرت زهرا علیها السلام انجام می دهیم، آنچه که مرور و گفت و گو می کنیم، همه و همه یادآور این مطلب است که حق در خانه علی ابن ابی طالب علیه السلام و با آن بزرگوار و حضرت زهرا علیها السلام، این شخصیت برجسته تاریخ بوده است. عنایت دارید که امروز حتی جامعه وهابیت، دانشکده های وهابیت در بیان مقامات حضرت زهرا علیها السلام و فضایل آن حضرت آنچنان ابایی ندارند، از اینکه جایگاه های ممتاز آن حضرت را منتشر کنند، کتاب در این باره چاپ کنند، خیلی ابایی ندارند. به جایگاه حضرت زهرا علیها السلام اقرار دارند. اگر من و شما در مراسم فاطمیه فقط و فقط به بیان فضایل ایشان بپردازیم، این تقابل خیلی مسئله ای با این قضیه نداشت. اگر همه مجالس عزاداری ما مرور مناقب حضرت زهرا علیها السلام باشد، کسی کاری با آن ندارد الا این که فاطمیه در اوج منقبت و اوج فضیلت و عظمت که خدای متعال به خاطر محبت او عالم را، به گل جمال او خورشید و ماه و ... را آفریده، **ما خلقت سماء مبنیه و لا ارضا مدحیه و لا قمرا منیرا و لا شمساً مضمیئه** همه اینها مطلب ناظر به مسئله حضرت زهرا علیها السلام و محوریت ایشان است که **هم فاطمه و ابوها و بعلها و بنوها**. خُب این محور عالم خلقت تا پای جان می ایستد، جان مبارکش را فدا می کند. پیغمبر صلی الله علیه و آله صراحتاً و مکرراً در مورد او فرموده است که رضایت او، رضایت خدا و غضب او، غضب خداست. می ایستد تا اثبات کند ولایت امیرالمؤمنین علیه السلام را و دفاع کند از آن حضرت. وقتی ما می نشینیم و در مقام روضه و مصیبت این مطالب را مرور می کنیم، حتما عده ای که اسلام امیرالمؤمنینی آنها را آزرده کرده است، در مقابل عزای فاطمیه می ایستند، حتما نقطه شروع و خاکریز تقابل شیعه، خاکریز تقابل اسلام امیرالمؤمنینی و دین خلفا و مکتب خلفا و معالم مکتب خلفا این می شود که باید در نقطه این خاکریز با هم مواجهه پیدا کنند. مسئله اول اشک بر امام حسین علیه السلام تولی و تبری از چه کسی است؟ از یزید ابن معاویه که موجود مطهری حتی نزد سلفی ها و وهابی ها نیست. این زیاد موضوعیتی ندارد. عمرین سعد موضوعیتی ندارد. بماند که عده ای این سالها در پی تقدیر و تقدیس شخصیت های پلیدی مثل اینها بر آمده اند که باز هم هدف آنها این است که از این نقطه های بسیار پلید شروع کنند تا بعد بگویند که چون صد آمد، نود هم پیش ماست. اینان که پاکیزه شوند، وای به حال گذشتگان و گذشتگانشان، حتما آنها پاکیزه ترند. این مطلب را کنار بگذاریم. می خواهیم بگوییم

آن چیزی که در اقامه عزای سید الشهداء علیه السلام باعث می شود که افراد خیلی جنبه مخالفت با ایشان را، که اگرچه امروز با او هم مقابله می کنند به جهات و طرق دیگری اما در قصه حضرت زهرا علیها السلام، همه اسلام امیرالمؤمنینی در مقابل همه مخالفان اسلام و اسلام امیرالمؤمنینی و هر چیزی که رنگ و بوی امیرالمؤمنین علیه السلام می خواهد داشته باشد، ایستاده است. اینجا نقطه اقامه حق علی ابن ابیطالب علیه السلام، عزای فاطمه زهرا علیها السلام است. یعنی احیای امر امیرالمؤمنین علیه السلام، عزای فاطمه زهرا علیها السلام است. یعنی برقرار کردن و یادآوری کردن حق مغضوب وجود امیرالمؤمنین علیه السلام. معلوم است که تقابل و مقابله پیدا می شود. معلوم است اینجا می شود خاکریز اول. باید با تمام توان بایستند که این خاکریز را بتوانند فتح کنند که بعد بتوانند به بقیه حوزه های باوری شیعه ورود پیدا کنند. از این جهت است که عرض می کنم ما در فاطمیه مکلفیم کارستانی متفاوت تر انجام دهیم. چون اینجا خط مقدم ما است. مسئله عزای فاطمیه و گریه بر حضرت زهرا علیها السلام و لباس مشکی حضرت زهرا علیها السلام یعنی هم تولی و هم تبری. وقتی شما اقامه عزای حضرت زهرا علیها السلام می کنید، سؤالات چه است؟ چرا کشته شد؟ چرا دختر پیغمبر صلی الله علیه و آله در هجده سالگی از دنیا رفت؟ به چه جرمی مورد تعرض قرار گرفت؟ به چه جرمی او را آزرده اند؟ به چه جرمی فرزند نازنین او را سقط کردند؟ اینها موضوعاتی است که باید به آنها توجه و تأمل کرد و بعد مسئله جدی تر و اساسی تر. چرا شبانه دفن شد؟ یگانه دختر پیغمبر صلی الله علیه و آله در آن شرایط خاص چطور شبانه دفن شد؟ چطور مخفیانه دفن شد؟ چطور صبح وجود مقدس حضرت علی ابن ابی طالب علیه السلام در بقیع چهل صورت قبر درست کرد؟ برای چه؟ به چه هدفی؟ چرا اجازه نداد که جامعه مسلمان آن روزگار بر پیکر مبارک آن روزگار که آنقدر عزیز کرده پیامبر صلی الله علیه و آله بود که همه می دانستند، دوست و دشمن همه نقل کرده اند که محبوب ترین زن نزد رسول خدا صلی الله علیه و آله حضرت زهرا علیها السلام بوده اند، پس چرا نگذاشتند آنها بر این عزیزترین پیکر نماز بگذارند؟ چه اتفاقی افتاد؟ سؤال مطرح می شود چه شده بود که اینگونه شد؟ این همه سفارش پیغمبر صلی الله علیه و آله، چه شد که آن بزرگوار اجازه نداد که کسی در تشییع او حضور پیدا کند؟ شبانه، مخفیانه، غریبانه. اینها سؤالاتی است که با اقامه عزای حضرت زهرا علیها السلام می جوشد. اصلاً چه کسی صدیقه کبری علیها السلام را کشت؟ برای چه کشت؟ چرا هفتاد روز بعد از پیغمبر صلی الله علیه و آله، نود روز بعد از پیغمبر صلی الله علیه و آله با فاطمه زهرا علیها السلام چنین و چنان کردند؟ در شعری که آقای سازگار بیان کرده و مشهور است در موضوع فاطمیه و بحث حضرت زهرا علیها السلام که در اولش مرور مکرمی می شود بر فضایل آن حضرت، همین تعبیر را به کار برده است که:

**سؤال من ز تمامی مسلمین این است به دوست نه! به خصم! این همه آزار رواست؟
چه شد که دود ز کاشانه علی علیه السلام برخاست؟**

واقعاً این ها سؤال است و از جمله آن سؤالات که شاید خیلی باید به آن ویژه تر نگاه کنیم، این مسأله است که این یگانه یادگار پیامبر صلی الله علیه و آله که شبانه و مخفیانه دفن شد، امروز قبرش کجاست؟ چرا در طول سالیان بعد مکشوف نشد؟ آیا واقعاً ضرورت و دلیلی نداشت؟ مسلمین علاقه مندی نداشتند که بر سر قبر دختر پیامبر صلی الله علیه و آله بروند؟ اینکه از آن یگانه یادگار پیامبر صلی الله علیه و آله که آنقدر مورد احترام، توجه و تکریم رسول خدا صلی الله علیه و آله بود که از او بوی بهشت به مشام پیامبر صلی الله علیه و آله می رسید که آنقدر او را مورد عزت قرار می داد، نمی پرسند قبر او کجاست؟ و بعد در مقام پاسخ چه خواهیم گفت؟ عنایت می فرمایید که همین امروز قبر مخفی حضرت زهرا علیها السلام، نه فقط روضه های حضرت زهرا علیها السلام، نه فقط مصیبت کوچه، نه فقط مصیبت بیت، نه فقط مصیبت فدک، ببینید اینها آن موضوعاتی نیست که الان فکر کنیم فقط پرداختن به آن ها دفاع از ولایت امیرالمؤمنین علیه السلام است. نه! در تمامی موضوعات وقتی ورود پیدا می کنید، نگاه می کنید و می بینید حتی قبر مخفی حضرت زهرا علیها السلام، امروز دفاع تمام قد صدیقه کبری علیها السلام، از ولایت امیرالمؤمنین علیه السلام است. خوب این سؤال به معنی واقعی برای همگان مطرح می شود و البته گمان نکنیم که این مطلب، مسأله ساده ای است و به سادگی به دست آمده و این دفاع، دفاعی است که در طول تاریخ هزینه ای برایش پرداخت نشده و حالا به هر حال قبری که قرار بوده مکشوف بوده باشد، امروز مخفی است. نخیر! به تک تک دفاعاتی که امام حسن علیه السلام، امام حسین علیه السلام، حضرت زینب علیها السلام، حضرت ام کلثوم علیها السلام، فرزندان و نوادگان حضرت زهرا علیها السلام، اشتیاق زیارت قبر مادرشان را پیدا می کردند، تصور کنید یک مشت بچه قد و نیم قد چندین و چند ساله، مثلاً ۳ ساله و ۵ ساله و ۶ ساله مادر از دست دادند، منزل از وجود مادر خالی شده، دلتنگ مادر می شوند. این روزها اگر کسی چنین وضعیتی برایش پیدا شود و عزیزی را از دست بدهد، یکی از متداول ترین و متعارف ترین چیزهایی که تجویز می کنند برای اینکه غصه های دل بچه ها تقلیل پیدا کند، می گویند بچه ها را برید سر قبر مادرشان، یک دل سیر گریه کنند تا اینکه آرام بگیرند. خوب به تک تک دفاعاتی که دل حسنین علیه السلام و دل زینب علیها السلام برای مادر تنگی می کرده و قصد می کردند و میل می کردند که سر قبر مادر بروند و یک دل سیر اشک بریزند، قبر مادر را به بغل بگیرند، امکانش

فراهم بوده؟! مخفی ماندن قبر به چه قیمتی محقق شده؟ نه فقط این ذوات مقدس، فرزندان آنها، امام صادق علیه السلام، امام باقر علیه السلام، امام کاظم علیه السلام، علاقه مند نبودند سر قبر مادرشان بروند و گریه و زیارت کنند و گرامی بدارند؟ این مصیبت که ببینند قبر مادرشان بی شمع و چراغ، بدون زائر و بدون توجه است، مغفول مانده و عزتی برایش تدارک دیده نشده. این ها درد کمی است؟ اینکه امام زمان علیه السلام امروز در خلوت و تنها بخواهند به زیارت قبر مادرشان بروند و ببینند که همه مشاهد مشرفه مملو از زائر است اما این قبر شریف که عزیزه خدا و حبیبه خدا و حبیبه حبيب خدا در آن دفن است، هیچ زائری نداشته باشد. اینها مصائب و هزینه هایی است که صرف شده تا قبر مخفی حضرت زهرا علیه السلام کماکان مخفی بماند و نتیجه این شود که دفاعی باشد از ساحت مقدس امام زمان حضرت زهرا علیه السلام، اولاً امیرالمؤمنین علیه السلام و بعد امامان پس از او تا امام زمان ما. پس عنایت دارید مسأله، مسأله ای جدی است و هزینه فراوانی هم برایش صرف شده است. پس ما در روزگاری که عمده تقابلات با فاطمیه در حوزه های مختلف جاری و ساری است، فاطمیه ای که هم تویی است و هم تبری است، فاطمیه ای که نقطه تقابل اصلی امروز اسلام امیرالمؤمنین علیه السلام با همه هجمه های دیگر است که در تقابل با این اسلام ایستاده اند، فاطمیه ای که دفاع از ولایت وجود مقدس امیرالمؤمنین علیه السلام است، تمام قد به همه شئوئش، به همه وقایعش پایبند باشیم.

اجازه دهید حالا که به پایان گفتگو نزدیک می شویم، این مطلب را محضر شریفان عرضه بدارم. بعد از اینکه پیکر مبارک و نورانی حضرت صدیقه علیه السلام را مضروب کردند و حضرت به حالت اغما رفتند و بر در خانه بیهوش شدند و امیرالمؤمنین علیه السلام را در آن وضعیت، دست بسته به مسجد رساندند، حضرت بعد از مدتی به حال آفاقه برگشتند و به هوش آمدند.

(نقل تاریخ این است. شما هم شنیده اید. بنا هم به مرور مصیبت ندارم. اما گزارش تاریخ را در این مقطع وظیفه خود می دانم.)
بانوی ضرب دیده آزاده ای که بار شیشه را زمین گذاشته و حالا تا این حد هم مورد تعدی قرار گرفته که حقیقتاً زبان از مرور بخشی از آن مصائب قاصر است که امام صادق علیه السلام فرموده باشند علت شهادت مادرمان را باید در آن لحظات بعد از هجوم به بیت جستجو کنید. حضرت اولین کلامی که به لبان مبارکشان جاری شد، این بود که: «**این علی؟**». دنبال امیرالمؤمنین، ابوالحسن علیه السلام، می گشتند. گفتند حضرت را به مسجد بردند. ایشان در آستانه در ایستادند.

گزارشات تاریخی اش برای شما آشناست. تهدید به نفرین کردند. امیرالمؤمنین علیه السلام سلمان را برای ممانعت فرستادند که به فاطمه علیه السلام بگو نفرین نکند که خشک و تر با هم می سوزند.

عبارات در اینجا بسیار دردآور است (ولله بسیار دردآور است). با تمام وجود آدم باید خون گریه کند برای عباراتی که حضرت زهرا علیه السلام اینجا در مقام بیان مظلومیت خودشان به زبان مبارکشان جاری کردند که استدعای من این است آن مطالب را ببینید، تا با اوج مصیبت فاطمه زهرا علیه السلام آشنا شوید.

به هر حال بعد از اینکه دیدند آسمان و زمین دارد تیره و تاریک می شود، ستون های مسجد از زمین فاصله گرفته، چیزی نمانده که این بساط به هم بپیچد، نگران جان خودشان شدند، دست از سر علی بن ابیطالب علیه السلام برداشتند. هدف شان هم محقق شده بود. حضرت از مسجد بیرون آمدند، این قسمت از عبارت تاریخ واقعا در نهایت بیان احساسات جاری بین این ذوات مقدس و در عین حال نشان دهنده اوج ارادت حضرت زهرا علیه السلام به مولای زمانه خودشان است که وجود مقدس علی بن ابیطالب علیه السلام را خطاب قرار دادند. اول تعبیر این است که **دستان ... اَحَدَ بَیْدِهِ**. دست مبارک امیرالمؤمنین علیه السلام را بدست گرفتند و به آن حضرت فرمودند یا ابالحسن! حضرت را با تکریم و تعزیز خطاب قرار دادند، علی جان! اگر این لحظات، شما را این جماعت پست پلید کم ارزش، این طور لباس تان را خاک آلود کردند و پیکر مبارک شما را به زمین انداخته بودند، اینجا حضرت زهرا علیه السلام با نهایت عزت، کآنه همسری همسرش را به نام فامیل صدا کند، به گنیه صدا کردند. **یا ابالحسن؛ روحی لروحك الفداء فاطمه علیه السلام فدای تو و نفسی لك الوقاء و جان فاطمه علیه السلام سپر بلاي تو. ان كنت في الخیر كنت معك علی جان؛ هر جا که علی بن ابیطالب علیه السلام باشد، در خیر باشد، فاطمه زهرا علیه السلام با اوست و **ان كنت في الشر اگر برای تو شر و سختی و مصیبت هم وارد بشود، فاطمه علیه السلام باتوست.****

این، جان کلام است. فاطمه زهرا علیه السلام در فاطمیه به همه ما به عنوان پیام جاوید و ماندگار فاطمی این مطلب را نشان دادند که هر کسی می خواهی باشی، باش. در هر رتبه اجتماعی که قرار است باشی، باش. در هر منقبت و فضیلتی که می خواهی، باش. هر چه که باشی، فاطمه زهرا علیه السلام که نیستی! کنیز و غلامی از کنیزان و غلامان فاطمه زهرا علیه السلام هم نیستی. در رتبه خدمتگزاران او هم نیستی. چون خدمت او، آنها که در محضر او توفیق خدمت داشتند، بزرگان و عظیمایی بودند، مریم بنت عمران کنیز او بوده، خدمتگزار او بوده، فضا ای که

کنیز او بوده، مقاماتش را که جستجو می کنید، عجیب و غریب است. هر که هستی، در هر منقبتی، در هر فضیلتی، در هر جایگاهی، در هر عظمتی، هر کسی می خواهی باشی، باش. پای امام زمانت باید تا پای جان بایستی، در دفاع از ولیّ روزگار باید تا پای جان ایستادگی کنی. معلوم است که این مفهوم و این پیام ماندگار که از جای جای مطالب فاطمیه نمایان است، اسباب آزردهی دشمنان اسلام و امیرالمؤمنین علیه السلام را فراهم می کند. برای همین شده نقطه تقابل و این آن رمز جاوید است که من و شما در مقام تبلیغ فاطمیه و در مقام بزرگداشت فاطمیه باید مواظبت کنیم تا این پیام صریح، روشن و مفصل به گوش مخاطبین عزای فاطمه علیها السلام برسد. این پیام جاودان باید منتقل بشود، این حرف ماندگار حضرت زهرا علیها السلام برای همه عصرها و روزگاران باید منتقل بشود.

پس اولاً معلوم شد که چرا باید کار کارستان داشته باشیم که چرا اینجا نقطه اصلی تقابل شده است، چرا شده است خاکریز مواجهه؟ خاکریز مقدم؟ چرا این همه دشمنی با فاطمیه؟ و بعد هم بدانیم که در مقابل فاطمیه و پیام جاوید و ماندگار فاطمیه، موظفیم که آن وقت در مقام اقامه همه اینها را روشن به گوش مخاطبین خودمان در مقام خدمتگزاری ایام عزاداری حضرت زهرا علیها السلام برسانیم. اما اجازه بدهید که بحث آخر عرایضم را خدمت شریف تان عرضه بدارم.

اگر من و شما توفیق پیدا کنیم که در این شرایط سخت با این همه تقابل و تعارض و دشمنی با مسئله فاطمیه و اقامه عزای فاطمیه، قدمی ولو به اندازه خودمان ناچیز، کار کارستان را از این جهت استعمال کردیم که نه کاری در شأن فاطمه علیها السلام، بلکه بدانیم که باید متفاوت تر حرکت کنیم، با همت بیشتر، با عزم بیشتر، با توان و بضاعت مفصل تر، باید قدری بیشتر به خودمان زحمت بدهیم. اما در هر حال هرچه کنیم، به اندازه خودمان کردیم، به اندازه ظرفیت ها. به اندازه های ناچیز خودمان قدمی برداشتیم. خودم را عرض می کنم. جسارت به ساحت عزیزان نمی کنم. عرض حقیر این است که سهم ما چیست؟ و کسی که ما از او منتفع خواهیم بود، چه کسی است؟ چه چیزی بدست می آوریم؟ خلاصه اش غیر از اینکه امتثال امر می کنیم، انجام وظیفه می کنیم، کمک می کنیم که امام زمان علیه السلام پرچم عزای مادرشان را، این بیرق مبارک را به تنهایی به دوش نکشند.

دو مطلب برای اینکه قدر و عظمت کاری که خدا به ما لطف کرده، بدانیم را خدمت تان اینجا عرض می کنیم. یکی آن روایت مشهور است که به هر حال برای همه من و شما آشنا بوده و هست که اجازه بدهید آن را مؤخر عرض کنم. یکی هم داستان حضرت فضّه است که این قصه را هم راجع به حضرت فضّه که کنیز حضرت زهرا علیها السلام بودند و هم امّ ایمن، در مورد هر دو که خدمتگزاری به آستان مبارک حضرت زهرا علیها السلام کرده اند، نقل شده است. خوب می دانیم که بعد از شهادت حضرت زهرا علیها السلام، این بانوان بزرگوار شدیداً آزرده و شکسته شدند. تا جایی که گفته اند مثلاً حضرت فضّه تا ۷ سال بعد از شهادت آن حضرت بیش از هفت سالی که زنده بودند، فقط به قرآن تکلم می کردند و بیان دیگری به زبان شان نبود و خواسته هایشان را با ادبیات قرآن با اقلّ کلمات می گفتند. در سفر حجّی که مشرف بودند، یکی از این دو وجود مبارک و نورانی کنیز حضرت زهرا علیها السلام، این خانم از کاروان شان و از اهل حجّاجی که با آنها همراهی می کردند، گم می شوند. در دل بیابان، کم کم گرسنگی و تشنگی، خستگی و فشار می آورد کار به جایی می رسد که مشرف به موت می شوند.

می گوید این بانوی شریف و جلیل القدر دست به آستان خدای متعال بلند می کند که خدایا من کنیز دختر پیغمبر تو هستم. از آسمان برای کنیز حضرت زهرا علیها السلام مائده بهشتی نازل می شود. او از این مائده ی بهشتی، از این آب و خوراک می خورد. تا هفت سال نه گرسنه می شود و نه تشنه که این معنایش این است که اگر خدا از آسمان برای مریم بنت عمران که خودش حجت خداست، مادر حجت خداست، مادر نبی خداست، صدیقه روزگار خودش است، در اوج رتبه طهارت و پاکیزگی و عظمت و منقبت قرار دارد، مائده بهشتی نازل می کند، برای کنیز حضرت زهرا علیها السلام هم مائده بهشتی نازل میکند. من به دلالت این گزارش تاریخی دارم عرض می کنم بزرگواران، نه به جهت بهره مندی از این فضایل و از این موقعیت ها و از این امکانات. نه، به این جهت که گاهی از اوقات آدم اضطراب پیدا می کند. دشواری پیدا می کند. امر عالم بر او ضیق می شود. زندگی اش معیشت ضنک می شود. آنوقت باید دستش را به پیشگاه خدای عالم بلند کند و عرضه بدارد اگر توفیق باشد، برای عزای حضرت زهرا علیها السلام قدمی بردارد که خدایا من کنیز و غلام دختر پیغمبر توام. من کنیز و غلام حبیبه حبیبه ات هستم و حضرت حتما التفات می کنند به عنایت اسم مقدس حضرت زهرا علیها السلام. بخوانیم و ببینیم. دیدید و خواندید

که اگر اسم حضرت فاطمه زهرا علیها السلام در منزلی باشد، خدا آثاری قرار می دهد. اگر اسم کسی را فاطمه قرار دادید، باید برای او توجهات خاصه ای داشته باشید. که وقتی آمد محضر حضرت و عرض کرد: خدا فرزندی به من داده به نام فاطمه، فرمود: **وضع یده علی جبهه**. حضرت دست به پیشانی گذاشتند، شبیه حالت تباهی به خودشون گرفتند و بعد فرمودند حالا که این اسم را گذاشتی، مراقبت کن به این نام. به هر حال اگر توفیق خدمت به آستان نورانی حضرت زهرا علیها السلام برایمان پیدا شود، یکی از آن آثار و برکات ممتازی است که خدا به ما لطف خواهد کرد. و اما آن اثر دومی که عرض کردم و در قبل روایت مذکور است. در آن روایت شریف هم اینطور فرموده است. بخشی از آن روایت را همه شما شنیده اید که فردای قیامت که می شود، فاطمه زهرا علیها السلام به عرصه محشر وارد می شود با آن هیبت، با آن عظمت، با آن وجاهت. با آن شأن و شکوه و جبروت. و بعد می فرمایند که در آستانه بهشت می ایستند. امر نازل می شود که بهشت مشتاق قدوم مبارک شماست. فاطمه زهرا علیها السلام برمی گردد خطاب به حضرت حق عرضه می دارند که خدایا در دنیا که قدر من مجهول بود، می خواهم اینجا قدرم معلوم بشود. **لیلة القدر و ما ادراک ما لیلة القدر** در این دنیا که کسی قدرشناسی فاطمه زهرا علیها السلام را نکرد، می خواهم قدرم معلوم بشود. در آستانه بهشت می ایستند. خدای متعال می فرماید هر که را می خواهی، با خود به بهشت ببر. هر چه میخواهی، بکن. برخیز به سوی محشر، مال توست. بعد می فرماید مثل پرده ای که دانه را از میان سنگ ریزه ها جدا می کند، دانه دانه شیعیان و محبین و خدمتگزاران شان را از میان بقیه جدا می کنند. بعد آنجای روایت که شاید کمتر مورد توجه ما بوده باشد، این است که وقتی شیعیان حضرت زهرا علیها السلام هم می آیند و در آستانه بهشت می ایستند، آنها هم از دخول به بهشت امتناع می کنند و به خدای متعال متعال عرضه می دارند: خدایا می خواهیم قدر ما معلوم شود. الان که قدر ما معلوم نیست. در دنیا مجهول است. درست است که خدا به ما عزت می دهد به برکت نوکری حضرت زهرا علیها السلام، مردمان ما را مورد احترام و تکریم قرار می دهند. دنیای ما آباد می شود اما اینها همه یک طرف. فرمود روز قیامت آنها می گویند خدایا می خواهیم قدرمان معلوم شود. محب حضرت زهرا علیها السلام کجای عالم ایستاده. می فرمایند برگردید، برمی گردند به عرصه محشر. هر کس به محبت حضرت زهرا علیها السلام به شما جرعه ای آب نوشانده، هر کس به محبت حضرت زهرا علیها السلام به شما لقمه ای غذا داده، هر کس به محبت حضرت زهرا علیها السلام به شما لباس پوشانده، هر کس به محبت حضرت زهرا علیها السلام کاری نمی توانسته بکند، جایی غیبت شما را می کردند، غیبتی از شما دفع و رفع کرده، گفته این دوست حضرت زهرا علیها السلام است، آن را رها کنید، دستش را بگیرید با خودتان وارد بهشت کنید. حالا اگر کسی به محبت حضرت فاطمه زهرا علیها السلام مردم را در مصیبت حضرت زهرا علیها السلام گریانده باشد، مردم را در پوشیدن لباس عزای حضرت زهرا علیها السلام ترغیب کرده باشد، قلب مردم را به معارف حضرت زهرا علیها السلام مهمان کرده باشد، جان مردم را به محبت حضرت زهرا علیها السلام و به سوز مصائب آن حضرت آشنا کرده باشد، آیا واقعا امیدی به نجات جز این می تواند داشته باشد؟

این است که تعبیر روایت می فرماید. عجیب و غریب است! به ولله این روایت از وجود مقدس رسول خدا صلی الله علیه و آله که در همان قیامتی که قرآن در توصیفش آیات عجیب و غریبی دارد. **یوم يجعل الولدان شیباً** که پناه می بریم به خدا از سختی آن روز که بچه ها از شدت مصیبتش پیر می شوند. روزی که یوم الثقیل است، روز سنگین است، یوم العسیر است، روز دشوار است. روزی که یوم الّتناد است که مردم همه دادشان به هوا برخواسته. در آن گیر و داری که مردم حاضرند عزیزترین کسانشان را، خویشان و عزیزانشان را و فرزندانشان را فدا کنند تا خودشان نجات پیدا کنند، می فرمایند **فان ذلک**. این فرمایش رسول خدا صلی الله علیه و آله نازل به این مطلب است که آن وقتی که همه گرفتارند، همه مشغول به خود هستند که هر کس یک شأنی دارد که خود او را مشغولیتی دارد که مشغولیتی دارد که خود او را مشغول کرده، او را از دیگران فارغ کرده، توجهی به بقیه ندارد، التفاتی ندارد به بقیه، دور و برش چه خبر است. می گوید آن روز همه این خلق خدا، نه فقط ما آدمیان و جنیان که مکلف اند، کل خلق خدا یک آرزوی مشترک دارند. **فعند ذلک تود الخلائق انه** چه می خواهند؟ همه خلائق دلشان می سوزد که ای کاش فاطمی بودم، کانه فاطمی.

ای کاش فاطمی بودم، ای کاش ...